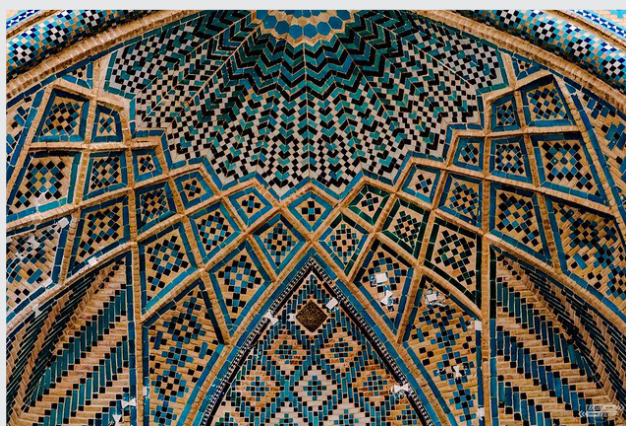




الزامات تقنینی در اجرای اصل (۸۳) قانون اساسی



لله الحمد لله الرحمن الرحيم

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۵/۱۵

شماره مسلسل: ۱۹۱۸۸
کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:
الزامات تقنینی در اجرای اصل (۸۳) قانون اساسی

نام دفتر:
مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه ورزش، میراث فرهنگی و گردشگری)

تهیه و تدوین:
سعید شفیعا

اظهار نظر کنندگان داخل مرکز:
یحیی مزروعی ایبانه

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز:
هادی احمدی روئینی، سوسن چراغچی، احسان ابروانی

ناظران علمی:
موسی بیات، سیاوش صابری کاخکی

ویراستار ادبی:
زهره عطاردی

طراح گرافیک:
سیده فاطمه ابوطالبی



واژه‌های کلیدی:
۱. اصل ۸۳ قانون اساسی
۲. نفایس ملی و منحصر به فرد
۳. الزامات تقنینی اصل ۸۳



فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۸	مقدمه.....
۹	تعریف نفایس در قوانین کشور.....
۱۳	معیارها و مصادیق نفایس ملی و منحصر به فرد.....
۱۵	تعریف سازوکاری مناسب برای تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد.....
۱۶	تکلیف دولت در مورد حفاظت از نفایس.....
۱۸	الزام دستگاه متولی به تهیه فهرست نفایس ملی و منحصر به فرد.....
۱۹	تعریف سازوکار مشخص برای نظارت مجلس شورای اسلامی به اصل (۸۳).....
۲۰	تعریف ضوابط بهره‌برداری و حفاظت از نفایس.....
۲۱	اهلیت بهره‌بردار از نفایس.....
۲۲	پروتکل‌های حفاظتی نفایس ملی در مورد آثار منقول.....
۲۳	تعریف سازوکار برای بازگرداندن نفایس واگذار شده.....
۲۳	الزام به درج عنوان نفایس ملی یا منحصر به فرد در اسناد مالکیت.....
۲۴	مشخص شدن وضعیت نفایس ملی در اختیار غیر دولت.....
۲۵	نتیجه‌گیری و پیشنهادات.....
۲۷	منابع و مأخذ.....

فهرست جداول و تصویر

۱۰	جدول ۱. جنبه‌های نفایس ملی.....
۱۲	تصویر ۱: مقبره‌ی بازشکاری شاه عباس صفوی در نطنز.....
۱۴	جدول ۲. معیارها و ملاحظات تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد.....



الزامات تقنینی در اجرای اصل (۸۳) قانون اساسی

چکیده



نفایس ملی و منحصر به فرد مفاهیمی است که از اصل (۸۳) قانون اساسی مستخرج شده است. تا پیش از این در ادبیات تقنینی کشور نفایس ملی و منحصر به فرد فاقد جایگاه و تعریف بوده و در سال‌های پس از تصویب قانون اساسی نیز اقدام تقنینی مشخصی در این باره صورت نگرفته است. بررسی مشروح مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که مقوله‌هایی مثل تفاوت نفایس ملی و منحصر به فرد، کارکرد و لزوم تنظیم قوانین عادی برای نفایس ملی، اهمیت فرهنگی نفایس ملی و محدودیت در واگذاری آنها به کشورهای دیگر مورد بحث قرار گرفته است. بنابراین موضوعات کلیدی دیگر در این باره به تفسیر و توسعه مفهومی توسط کارشناسان حوزه نیازمند است.

بررسی پیشینه تقنینی این حوزه نشان می‌دهد که در مورد نفایس ملی و منحصر به فرد، در بند «۳» ماده (۱۷۹) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی صرفاً در مورد فروش این اموال تکلیف نظارتی بر عهده مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است. همچنین در ماده (۱۱۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ و ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰، عمومی بودن نفایس ملی و منحصر به فرد قابل استنباط است. گفتنی است در اصلاحیه آیین‌نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب در سال ۱۳۸۳ مصوب هیئت وزیران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری سابق در موضوع قانون مذکور مرجع تشخیص نفایس ملی در نظر گرفته شده است.

از آنجاکه اصل فوق تاکنون اجرایی نشده، لزوم شناسایی حدود و زوایای تقنینی مورد نیاز برای اجرای این اصل گامی حفاظتی محسوب می‌شود. مرتبط دانستن مفهوم نفایس به امور مالی و اختیارات دولت در مورد اموال خود و نبود نظام حقوقی پشتیبان برای حمایت و جرم‌انگاری موجب شده تا وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اقدام به شفاف‌سازی مفاهیم، معیارها و فرایندهای صریح اجرای اصل (۸۳) قانون اساسی نکند. بنابراین لزوم تعریف سازوکار مناسبی برای تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد، الزام دولت به حفاظت، مشخص‌سازی مرجع تشخیص، الزام به تهیه فهرست، تعریف سازوکار مشخص برای نظارت مجلس شورای اسلامی به اجرای اصل (۸۳) قانون اساسی، تعریف ضوابط بهره‌برداری -حفاظت، مشخص‌سازی استانداردهای مرتبط با اهلیت بهره‌بردار، تعیین پروتکل‌های حفاظتی نفایس منقول، الزام به درج عنوان نفایس ملی و منحصر به فرد در اسناد مالکیت، مشخص‌سازی نفایس ملی و منحصر به فرد در اختیار غیر دولت، از جمله مواردی است که در اجرای اصل (۸۳) قانون اساسی لازم است رعایت شود.

«» خلاصه مدیریتی

بیان / شرح مسئله

اصل (۸۳) قانون اساسی برای اولین بار مفاهیم نفایس ملی و منحصر به فرد را به حوزه تقنین وارد کرد. مطابق این اصل، بناها و اموالی دولتی که از نفایس ملی باشند قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد. بررسی مشروح مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز صرفاً مقوله‌هایی مثل تفاوت نفایس ملی و منحصر به فرد، کارکرد نفایس ملی، لزوم تنظیم قوانین عادی برای نفایس ملی، اهمیت فرهنگی نفایس ملی و محدودیت در واگذاری نفایس ملی به کشورهای دیگر را قابل تحلیل می‌کند و اساساً موضوعات کلیدی دیگر مثل مالکیت بخش غیردولتی یا تعیین کاربری نفایس ملی را به تفسیر و توسعه مفهومی توسط کارشناسان حوزه واگذار کرده است.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

برای اجرای این اصل کلیدی‌ترین ابهام، فقدان تعریف برای مفاهیم نفایس ملی و منحصر به فرد و نامشخص بودن معیارها و مصادیق تشخیص آنهاست. از آنجاکه تاکنون متولی تشخیص نفایس ملی به صورت صریح مشخص نشده، لازم است تا وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در حوزه نفایس ملی و منحصر به فرد مرتبط با حوزه میراث به عنوان متولی شناخته شود.

پیشنهادات راهکارهای تقنینی

برای تکمیل فرایند تشخیص و ابلاغ نفایس ملی بایستی سازوکار مناسب و ترکیب کمیته تشخیص



نفایس ملی مشخص شود و برای اطلاع‌رسانی عمومی و حفاظت عمومی از این آثار تهیه فهرست نفایس ملی و منحصر به فرد به دستگاه ذی ربط الزام شود. برای حفاظت از هویت و ماهیت نفایس ملی ضوابط بهره‌برداری هم‌شأن اثر، پروتکل‌های حفاظتی برای نفایس منقول و غیرمنقول و تعیین ناظر بیرونی برای شکل‌گیری نظارت بیرونی به فرایند بهره‌برداری و حفاظت از اثر لازم به نظر می‌رسد.

همچنین مسکوت ماندن وضعیت نفایس ملی و منحصر به فرد در اختیار بخش غیردولتی بایستی توسط قوانین جدید برطرف شود. همچنین لازم است سازوکار نظارتی دقیقی منطبق بر متن اصل (۸۳) قانون اساسی تدوین شود تا لزوم دریافت مصوبه از مجلس شورای اسلامی برای «انتقال به غیر نفایس ملی»، قابل اجرا شود.

برای اعمال محدودیت در نقل و انتقال و نظارت بر اجرای اصل (۸۳)، لازم است تا عنوان «نفایس ملی» و «نفایس ملی منحصر به فرد» - پس از تدوین فهرست آنها - در اسناد مالکیت این اموال درج شود.

مقدمه

اصل (۸۳) قانون اساسی از جمله اصولی متعالی و هوشمندانه‌ایی است که به رغم نیاز به قوانین تخصصی و تکمیلی، در حد یکی از اصول قانون اساسی بدون تفسیر و پشتوانه‌های حمایتی باقی مانده است. این اصل اگر چه بناها و اموال دولتی که در دسته نفایس ملی قرار دارد را بدون تصویب مجلس شورای اسلامی غیر قابل انتقال به غیر دانسته و نفایس ملی منحصر به فرد را در هر صورتی غیر قابل انتقال به غیر در نظر گرفته است، اما موضوعات کلیدی همچون نفایس ملی و منحصر به فرد چه هستند و با چه سازوکاری قابل تشخیص خواهند بود را به صورت مبهم مطرح کرده است.

بررسی مشروح مذاکرات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز صرفاً مقوله‌هایی مثل تفاوت نفایس ملی و منحصر به فرد، کارکرد نفایس ملی، لزوم تنظیم قوانین عادی برای نفایس ملی، اهمیت فرهنگی نفایس ملی و محدودیت در واگذاری نفایس ملی به کشورهای دیگر را قابل تحلیل می‌کند و اساساً موضوعات کلیدی دیگر را به تفسیر و توسعه مفهومی توسط کارشناسان حوزه واگذار کرده است [۱].

مفاهیمی چون آثار ملی، عتیقه، اموال تاریخی-فرهنگی و ... دارای سابقه تقنین و جایگاه حقوقی است که طبیعتاً تعریف نفایس ملی در تکمیل یا امتداد این مفاهیم، نظام طبقه‌بندی مرتبط با میراث فرهنگی را تکمیل خواهد کرد. رویکرد فعلی جاری کشور در قبال نفایس ملی و منحصر به فرد به شکل بررسی آثار معرفی شده به کمیته‌ای



در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است. در این کمیته که همچنان بدون معیار ابلاغی فعالیت می‌کند، خبرگی و نظرات صاحب‌نظران مبنای تشخیص نفیسه ملی است. همچنین مطابق عرف، آثار ملی که در فهرست آثار جهانی یونسکو ثبت می‌شود از آن جهت که با حفظ مالکیت کشور نسبت به اثر، متعلق به مردم جهان در نظر گرفته می‌شود، در دسته نفایس نیز قابل پذیرش است. هر چند که این رویکرد الزاماً به معنای معیاری دقیق و مناسب برای تشخیص نفایس در نظر گرفته نمی‌شود.

بنابراین در این گزارش تلاش شده تا با استفاده از نظرات خبرگان و گردآوری مستندات اجرایی مرتبط با نفایس ملی و منحصر به فرد، نیازهای تقنین حوزه نفایس ملی و منحصر به فرد شناسایی شود.

تعریف نفایس در قوانین کشور



نفایس در قوانین کشور دارای سابقه است، هر چند تعریف دقیق و شفاف برای آن ارائه نشده است. به‌طور مثال در جزء «۶» از ماده پنجم قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه^۱ مصوب ۱۲۸۹ یا اساسنامه انجمن آثار ملی مصوب ۱۳۰۱ به واژه نفیسه اشاره شده که منظور از آن اموال منقول دارای ارزش و نیازمند نگهداری است.^۲ اما پس از تدوین اصل (۸۳) قانون اساسی که به موضوع بناها و اموال اشاره داشته است، دامنه گستردگی این مفهوم بیشتر از قبل شد. هر چند در سایر قوانین مصوب پس از آن، نفایس ملی محل ارجاع بوده در حالی که هیچ‌گاه مورد تعریف و تشریح قرار نگرفته است.^۳ این موضوع در دستورالعمل تشخیص نفایس و تصویب کاربری هم‌شأن آثار غیر منقول دولتی که معیار عمل وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است نیز مشهود است. در این دستورالعمل مفاهیمی مثل تصویب کاربری هم‌شأن، کمیته تشخیص نفایس و تصویب کاربری هم‌شأن اثر، دسته‌بندی آثار دولتی ... تعریف شده اما اینکه منظور از نفایس چیست، مشخص نشده است.

نفیس^۴ را می‌توان به گران‌مایگی و گران‌بهایی تعبیر کرد. گران‌مایه بودن یک اثر در ویژگی‌های ساختاری آن نهفته است که هنرهای فرهنگی، خلاقیت‌های شهودی، ذهنی و تجربی در ساختار و

۱. نگهداری اشیا نفیسه و سایر اموال امکنه مقدسه و ... که ودایع ملی در آنجاست.

۲. این تعریف به صورت صریح در متون مذکور نیامده و صرفاً به واسطه اینکه به اموال و اشیا اشاره شده و در مورد نگهداری و حفاظت از آنها صحبت شده، قابل استنباط است.

۳. به طور مثال ماده (۱۱۵) قانون محاسبات عمومی، ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و آیین‌نامه آن، قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن و ماده (۱۱۴) بر نامه چهارم توسعه که نفایس ملی را به‌عنوان مقوله‌ای مفروض مورد استفاده قرار داده‌اند.

۴. نفیس مطابق لغت‌نامه دهخدا گران‌مایه، مرغوب و نیکو از هر چیزی تعریف شده است.



محتوای اثر نمود پیدا کرده باشد. در حالی که گران بهایی به مرغوبیت مصالح، مواد یا شیوه‌های هنری فاختری که برای ساخت و آرایش اثر توسط مهارت‌های فنی و هنری اساتید صورت می‌گیرد ربط دارد.^۱ در تعریف نفایس ملی جنبه‌های اصالت، بدیع بودن یا داشتن خصیصه‌های اعتباری در سطح ملی مطرح است که هر کدام از عناصر مذکور به شرح جدول ذیل است:

جدول ۱. جنبه‌های نفایس ملی

توضیحات	جنبه‌های نفایس ملی
<p>۱. تعلق اثر به اقلیم فرهنگی و جغرافیای کشور، ۲. دارا بودن هنجارهای فرهنگی و طبیعی اقلیم خاستگاه اثر، ۳. انطباق شاکله کلی طرح و ساختار کلی اثر با هدفی که از اقلیم و فرهنگ در نظر گرفته شده است.</p>	اصالت
<p>۱. اثر دارای نوآوری باشد، ۲. اثر با توجه به خصایص انحصاری ساختاری و هنری در عرصه شیوه سنتی اقلیم مکانی و فرهنگی خود، موجب تحول یا اصلاح شده باشد، ۳. اثری که ترکیبی از هنجارهای فرهنگی اقلیم فرهنگی و طبیعی خاستگاه خود و هنجارهای فرهنگی و طبیعی سبک اقلیم دیگر از سرزمین ایران باشد که موجب تمایز یا شیوه ترکیبی شده باشد، ۴. اثری که دارای ظرافت و دقت برگزیده فرهنگ معماری خاستگاه و اقلیم فرهنگی ایران است، ۵. اثری که به‌عنوان تحول بزرگ اجتماعی به حساب آید که تنها در عرصه تحولات بزرگ تاریخی-فرهنگی ایجاد چنین اثری ممکن باشد.</p>	بدیع بودن
<p>۱. اثر براساس اعتبار واقعه تمدنی، تاریخی-فرهنگی یا به اعتبار عینیت‌بخشی به نمادهای ملی یا تحول جامعه اقلیم خاستگاه خود و یا سطح ملی پدید آمده باشد.</p>	داشتن خصیصه‌های اعتباری

مأخذ: تدوین و تهیه فهرست آثار و آیین‌نامه نحوه تشخیص نفایس ملی، صندوق احیا و بهره‌برداری از بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی، زمستان ۸۸.

۱. احسان ایروانی، ۱۳۹۷، ثبت میراث فرهنگی و طبیعی و نفایس ملی، «نشر مدید».

انگاره نادرستی در کارشناسان حوزه میراث فرهنگی وجود دارد که نفایس ملی را میراث فرهنگی ثبت شده در فهرست آثار ملی می‌داند. تقلیل مفهوم نفایس ملی به آثار درج شده در فهرست آثار ملی اقدام نادرستی بوده که باعث انحراف از اصل (۸۳) قانون اساسی است. هر چند ثبت در فهرست آثار ملی مقدمه‌ای برای تشخیص نفیسه ملی و منحصر به فرد است، - زیرا اثر نفیس، قطعاً ارزش ثبت ملی و حفاظت حاکمیتی را دارد- اما اینکه تمامی آثار ملی نفیس هستند، پاسخ صحیحی در قبال تعریف نفیسه ملی نیست.^۱ زیرا جایگاهی که برای نفایس ملی و منحصر به فرد در قبال انتقال به غیر و لزوم تصویب توسط مجلس شورای اسلامی تعریف شده، برای آثار ملی در نظر گرفته نشده است.

همچنین با توجه به جایگاه تقنینی که مفهوم نفایس ملی در آن مطرح شده، این مفهوم مقوله‌ای مرتبط با امور مالی و اختیارات دولت در مورد اموال خود است و نسبت آن با نظام حقوقی میراث فرهنگی نامشخص و تعریف نشده است. این موضوع موجب شده تا مفهومی مرتبط با امور مالی به ادبیات میراث فرهنگی کشور افزوده شود اما در مورد آن شفاف‌سازی صورت نگیرد. بنابراین دستگاه‌های نظارتی مثل دیوان محاسبات کشور در مورد تعریف نفایس ملی و شاخص‌های شناسایی آن از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی درخواست توضیح نمودند و مکاتبات صورت گرفته منتهی به تعریف و تشریح دقیق مفاهیم مذکور نشد [۲].

بنابراین واژه نفیس به معنای عام با واژه نفایس (ملی و منحصر به فرد) به معنای خاص دارای تفاوت است و نباید از این شباهت استفاده اشتباه کرد. نفیس به معنای عام می‌تواند در بررسی آثار ملی نیز دقیقاً مصداق داشته باشد و همان تعاریف گران‌مایگی و گران‌بهایی را عرضه کند. در حالی که نفیس به معنای خاص که در قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته، جنبه ملی یا انحصاری دارد که اثر را برجسته، متمایز و متعلق به عموم مردم کرده است. این تعلق به عموم در سطحی است که انتقال به غیر برخی از آنها غیر ممکن و برخی دیگر با نظارت مجلس شورای اسلامی ممکن است. همچنین از نظر جایگاهی می‌توان نفایس ملی را به عنوان یکی از فهرست‌های ذی‌ربط فهرست آثار ملی موضوع بند «۶» ماده (۳) قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷ در نظر گرفت که به واسطه اهمیت و جایگاه خاص، در جه‌ای از نظارت و حفاظت بیشتر از سایر آثار برخوردار هستند.

منحصر به فرد بودن را باید با توجه به معیارهای انتخاب یا شناسایی نفایس ملی و ویژگی‌های انحصاری آن نسبت به سایر نمونه‌های موجود (یا در صورت نبود نمونه مشابه) در نظر گرفت. اینکه اثری از جهت اصالت، بداعت و خصایص انحصاری نسبت به سایر آثار دارای وجه متمایز باشد که تکرار نشدنی یا غیر قابل جایگزین است یا به واسطه وجود ضمیمه تمدنی، فرهنگی، تاریخی، طبیعی، صنعتی و... نمونه‌ای

۱. در پاسخ به استدلال معاون سابق میراث فرهنگی به اینکه ثبت آثار ملی بر مبنای معیارهای نفاست صورت می‌گیرد و همه آثار ملی نفیس شناخته می‌شوند.

نفایس ملی با تأکید بر محتوای فرهنگی و تاریخی شامل آن دسته از آثار، بناها، اماکن و محوطه‌های تاریخی-فرهنگی گران‌مایه یا گران‌بها است که جلوه‌های شکوهمندی، ممتاز و برجسته از هنجارهای تمدن ایرانی-اسلامی است و دارای ارزش‌های ذاتی اصالت، بداعت یا خصایص انحصاری باشد. این آثار به‌منظور تضمین حفاظت از آنها توسط نسل حاضر برای نسل‌های آتی توسط دولت به نمایندگی از مردم و با نظارت مجلس و حق بهره‌برداری عمومی تمام آحاد جامعه در تمام زمان‌ها با کمترین هزینه، در مالکیت و حفاظت یا حفاظت دولت قرار می‌گیرند.

خاص و غیر قابل جایگزین در نظر گرفته شود، منحصر به فرد شناخته می‌شود.

تصویر ۱: مقبره‌ی بازشکاری شاه‌عباس صفوی در نطنز



به‌طور مثال می‌توان به مقبره بازشکاری شاه‌عباس صفوی در نطنز اشاره کرد که مقبره‌های ساده اما در بالاترین نقطه کوهستان است که به‌دلیل منسوب شدن داستانی خاص، به دستور شاه‌عباس در این نقطه ساخته شد. این سختی در انتقال مصالح به بالای کوهستان و داستان انحصاری موجب شده تا این اثر هر چند ممکن است از نظر همانندی نمونه‌های مشابهی نیز داشته باشد اما از نظر محل ساخت، سختی استقرار بنا و داستان منسوب به آن نفیسه منحصر به فرد در نظر گرفته شود.^۱

۱. داستان نجات دادن جان شاه‌عباس صفوی توسط باز «لوند» در این روایت مطرح است که روزی شاه‌عباس صفوی برای بیلاق به نطنز رفته بود و قصد می‌کند تا از کوهی که امروز به نام گنبدباز شهرت گرفته بالا برود، شاه‌عباس صفوی بعد از رسیدن به میانه کوه تصمیم می‌گیرد تا از آبی که در کوه جاری بوده است بنوشد اما باز از این کار شاه‌عباس صفوی ممانعت می‌کند و ظرف آب شاه‌عباس صفوی را بر روی زمین می‌اندازد و این کار چند بار تکرار می‌شود و در نهایت شاه‌عباس صفوی دستور می‌دهد تا سر باز را بزنند و از خوردن آب منصرف می‌شود و به بالا رفتن از کوه ادامه می‌دهد اما بعد از رفتن مسافتی متوجه می‌شود که در آب جاری شده بر روی کوه، ماری بزرگ و سمی مرده است و باز به همین دلیل مانع خوردن آب می‌شد و برای همین دستور می‌دهد تا مقبره‌های برای او بر روی کوه بنا کنند و نام او را گنبدباز می‌نامند.

آن دسته از نفایس ملی فاقد همانند، یا نسبت به نمونه‌های مشابه دارای ارزش‌های ذاتی برجسته، نفایس ملی منحصر به فرد شناخته می‌شود.

برای شفاف‌سازی و مشخص‌سازی فرایند تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد از آثار ملی، بهترین حالت اضافه کردن پیش‌شرطی به فرایند ثبت آثار ملی است. از آنجاکه آثار ملی به‌مثابه باغ است و نفایس ملی درخت‌های نادر یا متمایز این باغ، گام اول تشخیص در فرایند ثبت آثار ملی تعریف می‌شود. بنابراین لازم است تا به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تکلیف شود در لوح ثبت آثار ملی، اصالت، بدعت یا خصایص انحصاری برجسته قابل توجه اثر را درج و مستندات لازم ضمیمه و قابل ملاحظه کند. مستندات مذکور برای غربالگری و شناسایی نفایس ملی و منحصر به فرد در گام دوم قابل استفاده قرار خواهد گرفت.

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است تا در لوح ثبت آثار ملی وجه متمایزهای اصالت، بداعت و خصایص انحصاری اثر ثبتی را ذکر و مشروح مذاکرات مربوط به این موارد را در صورت جلسه برخط مشروح مذاکرات جلسات ثبت آثار ملی در اختیار عموم و کمیته تشخیص نفایس ملی قرار دهد. این اقدام در راستای غربالگری آثار ملی و شناخت بهتر نفایس ملی و منحصر به فرد مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

معیارها و مصادیق نفایس ملی و منحصر به فرد



همان‌طور که تعریف شفاف برای نفایس وجود ندارد، معیارهای دقیق و مصداق‌های صریحی برای آن تدوین نشده است. نزدیک‌ترین معیارها به این حوزه، مفهوم آثار ملی است که با تأکید بر قدمت اثر^۱ یا شأن ملی^۲ تعریف شده، که به دلیل ابهامات و مشکلات شرعی متعددی که بر آن مترتب است، کفایت لازم را ندارند [۳]. هر چند در این باره وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اقدام به تدوین

۱. ماده (۱) قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹: کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی که تا اختتام دوره سلسله زنده در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیر منقول با رعایت ماده (۳) این قانون می‌توان جزء آثار ملی ایران محسوب داشت و در تحت حفاظت و نظارت دولت است.

۲. ماده واحده قانون ثبت آثار ملی مصوب ۱۳۵۲ - به وزارت فرهنگ اجازه داده می‌شود علاوه بر آثار مشمول قانون حفظ آثار ملی مصوب آبان‌ماه ۱۳۰۹ آثار غیر منقولی را که از نظر تاریخی یا شیون ملی واجد اهمیت است، صرف‌نظر از تاریخ ایجاد یا پیدایش آن با تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر در تعداد آثار ملی مذکور در قانون مزبور به ثبت برساند. آثار مذکور در این ماده مشمول کلیه قوانین و مقررات مربوط به آثار ملی خواهد بود.



دستورالعمل اجرایی ثبت آثار ملی، معیارهای کلی ثبت آثار تاریخی و فرهنگی غیرمنقول و دستورالعمل تشخیص نفایس ملی و تصویب کاربری هم‌شأن آثار غیرمنقول دولتی کرده است که تغییر پذیر و غیر قابل استناد است. طبق دستورالعمل مرتبط با تشخیص نفایس ملی دو دسته معیار کلی تشخیص نفایس منحصر به فرد و ملی به شرح ذیل است:

جدول ۲. معیارها و ملاحظات تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد

معیارهای تشخیص نفایس ملی	معیارها و ملاحظات کلی تشخیص نفایس منحصر به فرد
آثاری که به تشخیص کمیته برخوردار از ویژگی‌هایی در تاریخ تحول معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی و دوره‌های تمدنی ایران بوده و از منظر هویتی، ملی یا فرهنگی کم‌نظیر است.	اثری که در حدود مرزی کشور هیچ همانندی نداشته باشد.
کلیه آثار تاریخی پیش از دوره صفویه که از بناهای دولتی، نظامی یا دفاعی بوده‌اند.	دستاورد بی‌نظیر و استثنایی از سابقه تاریخ، هنر، معماری، شهرسازی یا مهندسی کشور.
پل‌ها، راه‌ها، خیابان‌ها، میادین و معابر تاریخی پیش از دوره قاجار که مورد استفاده یا مراجعه عمومی است.	نمایانگر ویژگی‌های منحصر به فرد از یک یا چند دوره تمدنی یا اقوام ایرانی یا تنها آثار باقی مانده از یک دوره تاریخی به خصوص.
خندق‌ها، دیوارهای دفاعی، دروازه‌ها، باروها، برج‌های دیده‌بانی و دفاعی شهرهای تاریخی پیش از دوره پهلوی.	محوه‌هایی که آثار منقول منحصر به فرد از آن کشف شده فارغ از اینکه شی کشف شده در ایران نگهداری شود یا در موزه‌ها و مجموعه‌های خارج از کشور.
آرامگاه‌ها و گورستان‌های تاریخی که محل دفن مفاخر و مشاهیر علمی، مذهبی، فرهنگی، هنری و اجتماعی در آن قرار دارد و از این حیث محل احترام و مراجعه عموم است.	سایر معیارهایی که ممکن است بنابر شرایط و هویت یک اثر به تشخیص کمیته جهت تعیین منحصر به فرد بود اثر کافی باشد.
اماکن مذهبی و آیینی مربوط به ادیان رسمی کشور.	
اماکن و محوطه‌های دارای نقش برجسته، کتیبه و آرامگاه صخره‌ای و سایر نگاره‌ها و امثال آنها که در نوع خود بی‌نظیر بوده و موضوع پژوهش‌های بنیادین تاریخی-فرهنگی هستند.	
سایر معیارهایی که ممکن است بنابر شرایط و هویت یک اثر به تشخیص کمیته جهت تعیین نفایس ملی اثر کافی باشد.	

مأخذ: دستورالعمل تشخیص نفایس و تصویب کاربری هم‌شأن آثار غیرمنقول دولتی.

ابهام بزرگ معیارهای تشخیص، وابسته کردن آن به نظر کمیته است. یعنی فرد محوری بر فرایند مذکور توسط آیین‌نامه‌های داخلی تعیین معیار، تثبیت شده است (علاوه بر آن ممکن است افراد موصوف در فرایند واگذاری آثار تاریخی خود یا منسوبان آنها دارای نفع باشند). همچنین معیارهایی که برای منحصر به فرد بودن و ملی بودن تعیین شده، به خوبی و درستی امکان تمییز بین این دو فراهم نکرده است. ضمناً به نظر می‌رسد مصادیق و معیارها در قالب معیارهای تشخیص ادغام شده که این موضوع از کیفیت و شفافیت معیارها کاسته است. از معیارها انتظار می‌رود که موجب تعیین مقیاس، اندازه و ملاک شود و برای موضوع نفایس ملی و منحصر به فرد سنج‌های متمایز کننده‌ای ارائه کند.

« تعریف سازو کاری مناسب برای تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد »

سه رویکرد تجربی، اجماع و تکیه به ثبت‌های جهانی که مجریان امور میراث فرهنگی برای تشخیص نفایس ملی در نظر گرفته‌اند، دارای ایرادات و نقص‌هایی است که در مورد آن بحث‌هایی صورت گرفته است [۱]. موضوع مذکور ترکیبی از علم و هنر است و نباید این دو را از یکدیگر جدا کرد. اینکه مقوله تشخیص نفایس ملی به علم (یا معیارهای چارچوب‌دار که بر مبنای روش‌های علمی تدوین شده است) محدود شود، شناخت و فرصت تشخیص روایت‌ها و مفاهیم درونی اثر از دست می‌رود و تأکید بر هنری (یعنی نظرات و نخبگی خبرگان که در تصمیم‌گیری‌ها و جلسات در لحظه بروز پیدا می‌کند) بودن حوزه مذکور، موجب وابسته کردن موضوع به نظرات فردی نخبگان و کادر تعیین شده برای شناخت نفایس است.

بنابراین الگوی مطلوب، ترکیبی از معیارها و مصادیق‌ها در کنار کمیته‌ای دارای ناظر بیرونی با شفافیت برای عموم مردم است. بنابراین تصمیمات افراد دارای حق رأی زمانی نافذ است که نظرات افراد متخصص و ناظر بدون حق رأی شنیده و مستند شود. تصمیم‌نهایی در مورد تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد منوط به نمایش بر خط تصمیمات این کمیته و تطابق آن با معیارها و مصادیق تعیین شده در قانون به همراه مشروح مذاکرات جلسه (به تفکیک افراد دارای حق رأی و افراد فاقد حق رأی) است. ابلاغ حکم نفیس بودن نیز منوط به بارگذاری مستندات مذکور و در دسترس قرار گرفتن برای عموم است.



تکلیف دولت در مورد حفاظت از نفایس

اصل (۸۳) قانون اساسی به موضوع طبقه‌بندی نفایس و مشخص‌سازی مرجع تصویب برای انتقال آن پرداخته است. اینکه مجلس شورای اسلامی در مقام مصوب‌کننده موضوعی اجرایی دارای نقش شده است، نشان از اهمیت این آثار دارد. در قوانین کشور تکلیفی برای دولت در جهت حفاظت از نفایس تعریف نشده و تنها تکلیف قانونی در این حوزه مرتبط با حفاظت از آثار ملی است.^۱ در این شرایط عملاً تعریف نفایس ملی بدون مشخص‌سازی نظام ارزشی و ضمانت‌های حقوقی اختصاصی، مشکلات جدیدی برای حوزه مدیریت میراث فرهنگی ایجاد خواهد کرد. بنابراین لازم است تا برای اجرای اصل (۸۳) قانون اساسی تکلیفی از جهت حفاظت، بهره‌برداری، نظارت بر بهره‌برداری و دسترس‌پذیری عمومی برای دولت تعریف کرد. یکی از روش‌ها، تعریف ارتباط موازی آثار ملی و نفایس ملی با یکدیگر است تا در اولین گام، نفایس از ضمانت‌های حقوقی آثار ملی برخوردار شود. سپس برای پیش‌نیازها و ملاحظات خاص نفایس، مواد قانونی مستقل تدوین کرد.

دولت مکلف به حفظ، نگهداری، احیا، مرمت و بهره‌برداری نفایس ملی و منحصر به فرد با شرط دسترس‌پذیری ارزان برای عموم است و باید به این منظور در بودجه‌های سنواتی به تفکیک آثار مذکور تخصیص اعتبار مشخص و ملی صورت دهد.

تکلیف دولت در مورد حفاظت از نفایس

اصل (۸۳) قانون اساسی به لزوم تصویب مجلس شورای اسلامی در مورد انتقال نفایس ملی تأکید کرده، اما مرجع تشخیص این آثار را مشخص نکرده است. با توجه به عدم تعریف نفایس در این اصل قانون اساسی و ماده (۱۱۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶، ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی

۱. ماده اول قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ و فصل نهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی.

۲. ماده (۱۱۵) - فروش اموال غیر منقول وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که مازاد بر نیاز تشخیص داده می‌شود به استثناء اموال غیر منقول مشروحه زیر:

۱- اموال غیر منقولی که از نفایس ملی است، ۲- تأسیسات و استحکامات نظامی و کارخانه‌های اسلحه و مهمات‌سازی، ۳- آثار و بناهای تاریخی و ۴- اموال غیر منقول که در رابطه با مصالح و منافع ملی در تصرف دولت باشد که فروش آنها ممنوع است. بنا به پیشنهاد وزیر مربوط با تصویب هیئت وزیران و با رعایت سایر مقررات مربوط مجاز است وجه حاصل از فروش این قبیل اموال باید به حساب درآمد عمومی کشور واریز شود.

۳. ماده (۸۸) - در اجرای وظایف اجتماعی دولت به ویژه تکلیف مذکور در اصول بیست‌ونهم (۲۹) و سی‌ام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور منطقی کردن حجم و اندازه دولت و کاهش تدریجی اعتبارات هزینه‌ای و بهبود ارائه خدمات به مردم و جلب مشارکت بخش غیردولتی و توسعه اشتغال و صرف بودجه و درآمد‌های عمومی با رعایت اصول سوم (۳)، بیست‌ونهم (۲۹) و سی‌ام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مصالح عامه، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی که عهده‌دار ارائه خدمات اجتماعی، فرهنگی، خدماتی و رفاهی از قبیل آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عمومی، تربیت بدنی، درمان، توان‌بخشی، نگهداری از سالمندان، معلولین و کودکان بی سرپرست، کتابخانه‌های عمومی، مراکز فرهنگی و هنری، خدمات شهری و روستایی، ایرانگردی و جهانگردی می‌باشند مجازند برای توسعه کمتی و کیفی خدمات خود و کاهش حجم تصدی‌های دولت بر اساس مقررات و ضوابط این ماده اقدامات ذیل را انجام دهند:

د- در اجرای بند «ب» ماده (۶۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دستگاه‌های مشمول این ماده مجازند مراکز و واحدهای خدماتی، اجتماعی و رفاهی موجود و یا نیمه‌تمام خود را به صورت اجاره به اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع بند «الف» واگذار کنند.

تصره «۲» - واگذاری بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی می‌باشند مشمول حکم این بند نمی‌شود.

دولت مصوب ۱۳۸۰ تا حدودی به موضوع عمومی بودن نفایس ملی اشاره کرده است. زیرا واگذاری بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشند را از شمول این حکم مستثنا کرده و این به معنای این است که نفایس ملی جنبه عمومی دارد. در آیین نامه اجرایی ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۱ با اصلاحیه مصوبه شماره ۱۶۵۱۸/ت/۳۰۸۰۳ هـ تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۶ هیئت وزیران،^۱ مرجع تشخیص اموال و بناهای دولتی که از نفایس می باشد، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری در نظر گرفته شده است. این حکم هر چند به معنای مشخص سازی جایگاه اجرایی تشخیص نفایس ملی در این سازمان است، اما به واسطه مطرح شدن در این ماده قانونی و آیین نامه آن، نشان از تکلیف عام این سازمان نسبت به موضوع نفایس ملی ندارد، زیرا صرفاً در مورد ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت تعیین شده است. بنابراین لزوم تعیین دستگاه متولی برای تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد از طریق قانونی مجزا محسوس است. از آنجا که موضوع نفایس ملی و منحصر به فرد به حوزه تخصصی میراث فرهنگی مرتبط است، انتخاب وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به عنوان متولی تشخیص اقدام صحیحی به نظر می رسد. اما لازم است، تعارض منافع احتمالی درون دستگاهی در مورد این حوزه ی ملی و بین نسلی مورد توجه قرار گیرد. دستگاه مذکور دارای صندوقی با عنوان توسعه صنایع دستی و فرش دستباف و احیا و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی است که مأموریت واگذاری بناهای تاریخی برای احیا و مرمت به جهت بهره برداری رابه عهده دارد. در پیشنهاد های رسمی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی این صندوق عضو کمیته تشخیص نفایس ملی در نظر گرفته شده است [۴]، اما در آخرین دستورالعمل تشکیل کمیته تشخیص نفایس و تعیین کاربری هم شأن آثار غیر منقول در میان اعضا قرار ندارد.^۲ هر چند امکان حضور مدیران و اعضای این صندوق در قالب اعضای حقیقی یا نفوذ غیر رسمی بر اعضای عضو همچنان فراهم است. بدیهی است حضور صندوق در این کمیته یا تأثیر گذاری غیر مستقیم بر اعضای آن، موجب تعارض منافع خواهد بود. بنابراین لازم است تا پیش نیاز های لازم برای پیشگیری از تعارض منافع درون دستگاهی مدنظر قرار گیرد و موضوع تشخیص نفایس از بهره برداری بناها و آثار تاریخی فرهنگی توسط وزارت مذکور مجزا شود.

نفایس ملی در مورد ذخایر غیر قابل جبران و منابع تجدیدناپذیر کشور نیز قابل تفسیر و بسط است. بدون تأکید بر متن و محتوای مذاکرات مربوط به تصویب این اصل قانون اساسی، متن نشان از توجه آکید به سرمایه های ملی و منحصر به فردی دارد که متعلق به همگان است. بنابراین نفاست بدون تأکید بر بُعد

۱. موضوع این ماده منطقی کردن حجم و اندازه دولت و کاهش تدریجی اعتبارات هزینه ای و بهبود ارائه خدمات به مردم و جلب مشارکت بخش غیر دولتی و توسعه اشتغال با دادن امکان واگذاری مراکز و واحدهای خدماتی، اجتماعی و رفاهی موجود و یا نیمه تمام خود را به صورت اجاره به اشخاص حقیقی و حقوقی است.

۲. دستورالعمل اصلاح شده که در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۵ طی نامه شماره ۵۵۸۶/۰۵۵۰۲۵۰۰ به مدیر کل وزارتی و امور بین الملل سابق ابلاغ شد.



فرهنگی و میراثی دارای قابلیت تسری به موضوعات امنیتی،^۱ طبیعی،^۲ اقتصادی، اجتماعی و ... است و محدود کردن کلیه ابعاد آن به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی صلاح نیست.

مرجع تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد در ارتباط با میراث فرهنگی و طبیعی با رعایت ملاحظات لازم برای عدم بروز تعارض منافع درون و برون دستگاهی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است که مبتنی بر معیارها و مصداق‌های تشخیص و اظهار نظرات خبرگان در جلسات کمیته تشخیص نفایس با اعلام عمومی صورت می‌گیرد.

|| «|| الزام دستگاه متولی به تهیه فهرست نفایس ملی و منحصر به فرد ||

از آنجاکه تشخیص آثار با هدف حفاظت از میراث فرهنگی صورت می‌گیرد، لازم است تادر قالب فهرست در اختیار عموم قرار گیرد و دولت در قبال آن دارای تکلیف شود. تدوین و انتشار عمومی فهرست یکی از گام‌های حفاظت از میراث فرهنگی است، زیرا با اطلاع‌رسانی عمومی نسبت به وجود آثار نفیس و مشخص‌سازی اهمیت آنها، مردم نسبت به آن مطلع و مطالبه‌گر خواهند شد. همان‌طور که مطابق قانون راجع به حفظ آثار ملی،^۳ آثار ثبت شده در فهرستی قرار می‌گیرند و پس از تصویب، مورد حفاظت و حمایت دولتی قرار خواهند گرفت، لزوم تدوین فهرست نفایس نیز محسوس است.

اینکه تعداد آثار فرهنگی و شواهد تاریخی کشور بسیار زیاد است و به دلیل کثرت و پراکندگی تهیه فهرست کامل از آثار نفیس غیر ممکن است و صرفاً رویکرد استعلام‌محور مناسب این آثار است، دلیل مناسبی برای عدم تدوین فهرست نفایس نمی‌باشد.^۴ به این ترتیب فرایند شناسایی و ثبت آثار دارای ارزش، اقدامی اکتشافی و فرایندی بوده و ادعای رسیدن به حدی که تمام آثار بالقوه ثبت شود غیر ممکن است. زیرا در بهترین حالت، پس از شناسایی تمامی آثار نفیس موجود در کشور، رویدادهای فرهنگی و اتفاقات متعدد هنری، سیاسی و ... موجب معرفی و شناسایی آثار جدید نفیس خواهد شد. همچنین

۱. به‌طور مثال زمینی که در مرز کشور با کشور همسایه‌ای که با رژیم اشغالگر قدس دارای ارتباط اقتصادی و سیاسی نزدیک است را در زمان واگذاری به شرکت‌های تجاری و اقتصادی باید نفیس دانست و ملاحظات نفاست آن از زاویه امنیتی را در نظر گرفت.

۲. به‌طور مثال اجاره زمین به شرکتی خارجی که فعالیت‌های سرمایه‌سازی خود را در کشور انجام دهد و موجب نابودی خاک و بستر آن محدوده می‌شود نیازمند ملاحظات مرتبط با نفایس است. زیرا زمین کشور تجدیدناپذیر است و منبعی عمومی برای نسل‌های آینده است. بنابراین تخصیص کاربری مذکور برای چنین کاری نیازمند بررسی پیش‌نیازهای نفایس ملی است.

۳. ماده (۲): دولت مکلف است از کلیه آثار ملی ایران که فعلاً معلوم و مشخص است و حیثیت تاریخی یا علمی یا صنعتی خاصی دارد فهرستی ترتیب داده و بعدها هم هر چه از این آثار مکشوف شود ضمیمه فهرست مزبور کند. فهرست مزبور بعد از تنظیم طبع شده و به اطلاع عامه خواهد رسید.

۴. در پاسخ به اظهار نظر مکتوب معاون سابق میراث فرهنگی در مورد نفایس ملی و دلیل عدم تدوین فهرست از آن در کشور در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۷.

تأکید بر استعمال موردی یا رویکرد استعمال محوری که وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در قبال درخواست‌های سایر دستگاه‌ها برای تشخیص نفیسه ملی یا منحصر به فرد اتخاذ کرده، رویکرد ناکافی است. زیرا تشخیص نفیاس وابسته به زمان و اتفاقات موضعی و موضوعی است. این رویکرد می‌تواند به عنوان مکمل تهیه فهرست نفیاس و بخشی از ساز و کار اکتشافی دارای کاربرد باشد. بنابراین الزام دستگاه متولی این حوزه به تهیه و ارائه فهرست نفیاس ملی و منحصر به فرد با تأکید بر امنیت و حفاظت از این آثار لازم است.

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است اقدام به تهیه فهرست نفیاس ملی و منحصر به فرد کرده و مشروح مذاکرات جلسات کمیته نفیاس را به صورت برخط در اختیار عموم قرار دهد. تهیه فهرست اقدامی اکتشافی است و به موجب آن فهرست مذکور به صورت دوره‌ای به‌روزرسانی خواهد شد. وزارت مکلف است آثار اکتشافی از نفیاس ملی و منحصر به فرد را که به صورت موردی، استعمال محوری یا مبتنی بر معیارهای شناسایی شده در ثبت آثار ملی مورد شناسایی قرار گرفته است نیز به این فهرست بیافزاید.

«» تعریف ساز و کار مشخص برای نظارت مجلس شورای اسلامی به اصل (۸۳)

در مورد نظارت مجلس شورای اسلامی به موضوع نفیاس، بند «۳» ماده (۱۷۹) قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی تعیین شده است. در این بند فروش بناها و اموال دولتی و نفیاس ملی به استثنای نفیاس ملی منحصر به فرد که در هر صورت قابل فروش نیست به عنوان اقداماتی مطرح شده است که دولت باید با تصویب مجلس صورت دهد. این بند دارای ایرادات ذیل است:

■ شأن مجلس شورای اسلامی در حوزه نظارت بر انتقال به غیر نفیاس ملی به سطح نظارت به فروش تقلیل یافته است. در حالی که فروش نسبت به انتقال دارای گستردگی کمتری است. بنابراین موجب اعمال محدودیت حق نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای نظارت نفیاس ملی است.

■ ساز و کار مشخصی برای نظارت بر انتقال به غیر نفیاس تعریف نشده است و در صورتی که دولت در قالب لایحه موضوع انتقال نفیاس ملی را به مجلس شورای اسلامی اعلام نکند، ساز و کار مشخص نظارتی برای اجرای این اصل پیشنهاد نشده است.

■ تازمانی که معیارهای مشخص و فهرست مشخصی از نفیاس وجود نداشته باشد و تمامی امور تشخیص تا بهره‌برداری در انحصار وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی باشد، نظارت مجلس شورای اسلامی به این حوزه غیر قابل تعریف است.

بنابراین به غیر از تغییر در آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی لازم است تا در حدود قانون اساسی



امکان نظارت مجلس شورای اسلامی بر مقوله نفایس ملی و منحصر به فرد فراهم شود.^۱ پیشنهاد می‌شود تا کمیته تشخیص نفایس ملی در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با حضور نمایندگان ناظر از دستگاه‌های نظارتی، نخبگان، تشکل‌های مردم‌نهاد تشکیل شود. این اعضا حق رأی ندارند اما تصمیمات کمیته منوط به دریافت نظرات آنها است که انتشار عمومی کلیه آراء و استدلال‌های جلسه کمیته الزامی است.

انتخاب اعضای اصلی کمیته به دلیل حساسیت موضوع باید با توجه بر مبنای استعلامات اطلاعاتی-امنیتی، عدم اشتغال به فعالیت‌های عمرانی در محدوده‌ای که اثر قرار دارد (برای آثار غیر منقول)، عدم فعالیت در حوزه خرید و فروش آثار تاریخی-فرهنگی و مجموعه‌داری (برای آثار منقول) صورت گیرد. تصمیمات نهایی این کمیته باید در سامانه‌ای بر خط و قابل مشاهده توسط عموم جامعه منتشر شود و ضمیمه بودن اظهار نظر افراد دارای رأی و فاقد رأی برای نهایی‌سازی تصمیم کمیته الزامی است.

تعریف ضوابط بهره‌برداری و حفاظت از نفایس

چالش بزرگی که بین صاحب‌نظران حوزه میراث فرهنگی مفروض است مربوط به بهره‌برداری یا عدم بهره‌برداری از نفایس است. برخی معتقدند که نفایس از جهت نفیس بودن باید توسط دولت در اختیار گرفته شوند و صرفاً در جهت بهره‌برداری عمومی در اختیار عموم قرار گیرند. این نفایس از آن جهت که متعلق به تمام مردم ایران است نباید به دیگران برای بهره‌برداری واگذار شود و دولت باید تمامی امور حفاظتی تا بهره‌برداری را بر عهده گیرد اما محدودیت منابع دولتی و ناتوانی دستگاه‌های اجرایی در احیا و مرمت بناهای تاریخی-فرهنگی با بودجه دولتی، این روش را به مخاطره انداخته است. برخی دیگر در مورد تخصیص کاربری متناسب با نفایس و برقراری امکان بهره‌برداری با هدف حفاظت از آن دارای نظر هستند و چگونگی تعیین کاربری را محوری برای حفاظت از نفایس ملی می‌دانند.

به هر حال در مجموع دو شرط اصلی «در دسترس عموم مردم ایران قرار گرفتن» و «دسترسی با کمترین هزینه» را می‌توان از اصول اولیه و بنیادین برای بهره‌برداری مبتنی بر ضوابط حفاظتی نفایس ملی و منحصر به فرد دانست. به عبارتی نفایس متعلق به مردم ایران است و هر اقدام بهره‌برداری و اجرایی در این حوزه نباید موجب عدم امکان دسترسی مردم برای بازدید از آن شود. زیرا نفایس آثار برجسته‌ای از پیشینیان است که دارای وجه متمایزهای هنری، فرهنگی، تاریخی و... است و بخشی از هویت و فرهنگ

۱. این اصلاحیه در قالب طرح اصلاح بند «۳» ماده (۱۷۹) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در ۱۴۰۱/۹/۶ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد.

اسلامی ایرانی است. مهم‌ترین عامل برای تضمین حفاظت از اثر و جلوگیری از تزلزل بنیان اثر است، تعیین کاربری مناسب و در شأن آنهاست. ارزیابی توان تطبیق اثر با ظرفیت‌های کالبدی، سازه‌ای و با توجه به ارزش‌های ناملموس، تاریخی و فرهنگی آن در دوره بهره‌برداری و چگونگی بهره‌برداری از اثر، با «کاربری هم‌شأن اثر» قابل تعریف است. در مورد آثار نفیس منحصر به فرد عموم این آثار به جهت نفاست و اجد کاربری موزه‌ای خواهند بود مگر آنکه تطابق کاربری گذشته و فعلی آنها موجب آسیب به آنها نشود نظیر عبادتگاه‌ها و ... اینکه نحوه به کارگیری و دسترس‌پذیری این آثار به چه شکل باشد، وابسته به ملاحظات حفاظتی تخصصی است که به عنوان ضوابط حفاظتی برای بهره‌برداری از اثر تعیین می‌شود. بنابراین باید برای وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تکلیف شود که پس از تشخیص نفیس ملی و منحصر به فرد و طی مراحل قانونی، در مورد کاربری هم‌شأن اثر - با توجه به معیارهایی که به واسطه آن نفیس شناخته شده است - و همچنین ضوابط حفاظتی آن به صورت اختصاصی تعیین تکلیف و ابلاغ کند. این ضوابط با توجه به منحصر به فرد بودن یا ملی بودن آثار متفاوت است و معیارهای حفاظتی متفاوتی را می‌طلبد.

در حال حاضر مطابق دستورالعمل کمیته تشخیص نفیس و تصویب کاربری هم‌شأن اثر، بهره‌برداری از آثار ملی دولتی با تصویب کمیته‌ای در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی صورت می‌گیرد که تعیین کاربری هم‌شأن اثر مورد توجه این کمیته است. کمیته مذکور می‌تواند بر اساس شرایط و نتایج مطالعات، پژوهش‌ها و اکتشافات جدید سطح نفاست آثار را تغییر دهد. اما آنچه مبهم است، نامشخص ماندن تفسیر هم‌شأنی و همچنین آزادی عمل این کمیته در تغییر وضعیت سطح نفاست آثار است.

اهلیت بهره‌بردار از نفیس



بهره‌بردار به اندازه تعیین کاربری هم‌شأن اثر دارای اهمیت است. زیرا به همان اندازه که نوع بهره‌برداری دارای اهمیت است، فرد بهره‌بردار نیز نیازمند توجه است. بنابراین بررسی اهلیت تخصصی و عمومی فرد بهره‌بردار نیز باید مورد توجه قرار گیرد. اگر اثری برای بهره‌برداری فرهنگی و برگزاری رویدادهای دوره‌ای در نظر گرفته شده است، فرد بهره‌بردار باید زمینه فرهنگی مرتبط را داشته باشد تا در مورد موضوع و ملاحظات مذکور اشراف کامل را داشته باشد (عمومی). همچنین اگر قرار بر واگذاری بهره‌برداری به فردی است، زمینه فعالیت وی که قرار است به طور مستقیم در اثر نمود پیدا کند نیازمند توجه است. یک قطعه‌ساز یا تولیدکننده لوازم صنایع سنگین برای بهره‌برداری از اثری فرهنگی از اهلیت تخصصی بالایی برخوردار نیست. در صورتی که به دلیل ملاحظاتی، اثری به وی واگذار شد، ملاحظات نظارتی و دوره‌های نظارت دقیق از طریق سازو کار مستقل از واگذارکننده و بهره‌بردار معیار ادامه فعالیت است. برای آنکه



اهلیت بهره‌بردار مورد شناسایی قرار گیرد می‌توان از روش ممیزی مؤلفه‌های ذیل را مورد توجه قرار داد:

- دارا بودن تجربه فرد یا سازمان بهره‌بردار در رسته‌ای که اموال قرار است واگذار و بهره‌برداری شود.
- دارا بودن فرد یا سازمان بهره‌بردار از ساختار منابع انسانی با تجربه مرتبط با رسته‌ای که اموال واگذار و بهره‌برداری می‌شود.
- برخورداری فرد یا سازمان بهره‌بردار از مجوزهایی که در ارتباط با رسته‌ای که اموال قرار است واگذار و بهره‌برداری شود.
- استفاده فرد یا سازمان بهره‌بردار از افرادی که دارای تأییدیه‌های تخصصی و فنی مرتبط با بهره‌برداری هستند.

|| «<<» || پروتکل‌های حفاظتی نفایس ملی در مورد آثار منقول

مباحث قابل طرح در مورد نفایس منقول نسبت به نفایس غیر منقول دارای تفاوت است. از آنجا که نفایس منقول امکان جابه‌جایی و خروج از کشور را دارند و در اولین تفسیر از قانون اساسی انتقال به‌غیر آن در مورد نفایس ملی نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی است، درجه‌بندی آثار منقول نفیس و مشخص‌سازی پروتکل‌های حفاظتی و امکان خروج از کشور یا جابه‌جایی آنها در کشور نیازمند بررسی است. بنابراین لازم است تا در جهت نظارت‌پذیری بر انتقال و جابه‌جایی نفایس ملی و منحصر به فرد تدوین و تهیه فهرست و مشخص‌سازی پروتکل‌های حفاظتی آن مورد نظر قرار گیرد. به‌طور مثال می‌توان به موضوع خروج ۴۴۶ اثر میراث فرهنگی به کشور آلمان در سال ۱۳۹۵ اشاره کرد که در آن جام مارلیک به‌عنوان نمونه‌ای خاص و تکرارنشده مطرح بود.^۱ متأسفانه به‌دلیل نبود سازوکار نظارتی دقیق و نبود پروتکل‌های طبقه‌بندی آثار منقول چنین نمونه‌هایی رخ داده است که در صورت تعیین دقیق توسط قانون اجرای اصل (۸۳) قابلیت جلوگیری از آن فراهم بود.

۱. هیئت وزیران در جلسه هشتم اسفند ۱۳۹۵ با پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با خروج ۴۴۶ قلم از آثار تاریخی و هنری به‌شرح فهرست پیوست که تأیید شده به مهر دفتر هیئت دولت است، موقت جهت برگزاری نمایشگاهی با نام «ایران: فرهنگ کهن بین آب و بیابان» در شهر بن آلمان موافقت کرد. در حالی که مرجع انتقال بسیاری از این آثار مجلس شورای اسلامی است.

تعریف سازوکار برای بازگرداندن نفایس واگذار شده



یکی از چالش‌هایی که پس از تعیین وضعیت معیارها و مصداق‌های نفایس ملی و منحصر به فرد مطرح است، مشخص‌سازی وضعیت اموالی است که به هر شکلی به غیر واگذار شده است. این واگذاری‌ها به واسطه نبود قوانین ذی‌ربط رخ داده است و فارغ از تخلفاتی که به واسطه واگذاری‌ها رخ داده، قابل پیگیری است، اصل تعلق نفایس به عموم مردم که تعیین تکلیف وضعیت مالکیت و بازگشت آنها به دولت را می‌طلبد. بنابراین الزام به بررسی و شناسایی نفایس ملی و منحصر به فردی که به طریقی واگذار شده اما نباید چنین می‌شد و تعریف سازوکاری برای بازگرداندن آنها به مردم نیاز قانون اجرایی اصل (۸۳) قانون اساسی است.

الزام به درج عنوان نفایس ملی یا منحصر به فرد در اسناد مالکیت



مطابق ماده (۲۶) آیین‌نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲ هیئت وزیران،^۱ کلیه وزارتخانه و مؤسسات دولتی مکلف شده‌اند که تا دو سال پس از تصویب این آیین‌نامه یعنی سال ۱۳۷۴ به منظور صدور سند رسمی مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران و قید نام وزارتخانه یا مؤسسه دولتی مربوط در آن سند، اقدامات لازم را صورت دهند. مطابق بند «ب» این ماده، کلیه اسناد مالکیت باید به وزارت امور اقتصاد و دارایی منتقل شود. از آنجاکه پس از مشخص شدن وضعیت نفایس ملی و منحصر به فرد اموال دولتی، لزوم شفاف‌سازی و درج آن در سند مالکیت محسوس است، پیشنهاد می‌شود تا ماده قانونی به دستگاه‌های مذکور الزام کند که ذیل عنوان دستگاه بهره‌بردار، درجه‌بندی نفایس آن نیز مشخص شود. بنابراین هر اقدام در مورد این اموال با توجه به پروتکل‌های تعریف شده حوزه نفایس ملی و منحصر به فرد قابل اجرا خواهد بود.

۱. ماده (۲۶) - وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی باید ظرف دو سال از تاریخ تصویب این آیین‌نامه به منظور صدور سند رسمی مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران و قید نام وزارتخانه یا مؤسسه دولتی مربوط در آن سند، برای آن دسته از اموال غیر منقول در اختیار خود که فاقد سند رسمی می‌باشند، اقدام لازم را به عمل آورند، علاوه بر تکلیف فوق وظایف زیر نیز به عهده وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی است:

الف - نسبت به تغییر نام مالک آن دسته از اموال غیر منقول که قبلاً اسناد مالکیت آنها به نام وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی صادر شده است و درج سایر موارد بر اساس این ماده با هماهنگی و همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی اقدام کنند.

ب - کلیه اسناد مالکیت اموال موضوع این ماده را برابر ماده (۱۲۳) قانون به وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال دارند.

ج - امکانات لازم را به منظور تثبیت و مستندسازی مصوبات هیئت وزیران در مورد اموال غیر منقول با هماهنگی وزارت امور اقتصادی و دارایی فراهم کنند.

د - ادارات ثبت اسناد محل همکاری‌های لازم را نسبت به امور مربوط و صدور سند مالکیت و تسلیم آن به متقاضی در اسرع وقت به عمل خواهند آورد. در اختیار دارنده مال طبق گواهی صادر شده از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی - اداره کل اموال دولتی - معرفی خواهد شد.

ه - حسب مورد شهرداری‌ها موظفند تسهیلات لازم را جهت تسریع در امور مربوط فراهم آورند.



مشخص شدن وضعیت نفایس ملی در اختیار غیر دولت

بخش مهمی از آثار ملی و نفایس در اختیار مردم و بخش غیردولتی است در حالی که اصل (۸۳) قانون اساسی با تأکید بر اموال منقول و غیرمنقول بخش دولتی تدوین شده است.^۱ با مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌شود که شهید بهشتی نایب رئیس مجلس فوق، در مورد تنظیم مقررات مربوط به اموال و بناهای در اختیار بخش غیردولتی به لزوم احاله قانون عادی برای این حوزه اشاره کرده است.^۱ موضوعی که از نظر عقلی نیز پذیرفته شده، زیرا نوع مالکیت در ارزشمندی ملی یک اثر نقشی ندارد. همان طور که در قانون راجع به حفظ آثار ملی نیز ثبت آثار بدون دخل در حقوق مردمی صورت می‌گیرد و تنها قید الزام آور برای مالکین، لزوم عدم ممانعت آنها برای مداخلات دولت در جهت حفاظت از آثار است.^۲ ایرادات شرعی که مداخله دولت در اموال و اطلاعات فردی را دارای مسئله می‌دانست -تداخل با قاعده تسلیط- با قوانین تکمیلی و دریافت تأییدات شورای نگهبان، مسبوق به سابقه و برطرف شده در نظر گرفته می‌شود.^۳

گفتنی است منظور از بخش غیردولتی صرفاً دارایی‌ها و اموال مردمی نیست. بلکه نهادها و سازمان‌های ذیل مقام معظم رهبری مثل سازمان اوقاف و امور خیریه، ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و ... نیز مطرح است که اموال و املاک نفیسی در اختیار دارند. تنظیم بخشودگی‌های خاص مالیاتی یا اعطای مشوق‌های تخصصی، امکان نظارت‌پذیری و فهرست‌برداری از دارایی‌های دارای ارزش در اختیار مردم را فراهم می‌سازد. دولت برای آنکه بتواند فهرستی از اموال و دارایی‌هایی در تملک بخش غیردولتی که خصوصیت نفیسه ملی و منحصر به فرد دارند را تهیه کند، باید حمایت‌های مشخصی تنظیم کند. مهم‌ترین حمایت‌ها را می‌توان شامل به رسمیت شناختن مالکیت مردمی، صدور سند معتبر با خصوصیات دقیق اموال و مالک آن، دادن مشاوره برای نگهداری و حفاظت اموال، انجام امور حفاظتی برای نگهداری و مرمت از این اموال دانست. از این رو بخش مهمی از نفایس ملی و منحصر به فرد در اختیار بخش مردمی هم دارای فهرست می‌شود و هم نیازهای حفاظتی آنها تشخیص و قابل برطرف‌سازی خواهد شد. همچنین پس از دوره‌ی زمانی معین متعاقب اعلام فراخوان برای ثبت آثار نفیسی در اختیار مردم، دارایی‌ها و اموال نفیسی ملی و منحصر به فرد منقولی که مدعی خصوصی پیدا می‌کند، حاصله از حفاری غیرمجاز در نظر گرفته می‌شود.

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، صص ۸۸۹ و ۸۹۰.

۲. ماده پنجم قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ -شخصی که مالک یا متصرف مالی باشند که در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد می‌تواند حق مالکیت یا تصرف خود را حفظ کنند، اما نباید دولت را از اقداماتی که برای حفاظت آثار ملی لازم می‌داند ممانعت کنند در صورتی که عملیات دولت برای حفاظت مستلزم مخارجی شود دولت از مالک مطالبه عوض نمی‌کند و اقدامات مزبور مالکیت مالک را متزلزل نخواهد کرد.

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر به صفحه ۱۶ از گزارش تقنینی در مورد اصلاح موادی از قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ (شاخص‌ها و فرایند ثبت آثار غیرمنقول) با مسلسل ۱۸۲۲۴ از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مراجعه کنید.

زیرا در موعد مشخص شده به عنوان اموال در اختیار مردم دارای شناسنامه نشده است. بنابراین سازو کار مذکور به صورت نظام مند در مقابل حفاری غیر مجاز عمل خواهد کرد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

گزارش حاضر در جهت شفاف سازی موارد مورد نیاز برای اجرای اصل (۸۳) قانون اساسی تدوین شد. بررسی مستندات به تفصیل نشان می دهد که اقدامات تعریفی، تحدیدی، تأسیسی و نظارتی مشخصی لازم است تا قانون مناسبی برای این حوزه تدوین شود. بنابراین موارد ذیل اجزایی است که در پیش نویس اجرای این اصل باید مدنظر قرار گیرد که در متن گزارش به آن پرداخته شد:

■ تعریف نفایس ملی و منحصر به فرد

نفایس ملی با تأکید بر محتوای فرهنگی و تاریخی شامل آن دسته از آثار، بناها، اماکن و محوطه های تاریخی- فرهنگی گران مایه یا گران بها است که جلوه های شکوهمندی، ممتاز و برجسته از هنجارهای تمدن ایرانی- اسلامی است و دارای ارزش های ذاتی اصالت، بداعت یا خصایص انحصاری باشد. این آثار به منظور تضمین حفاظت از آنها توسط نسل حاضر برای نسل های آتی توسط دولت به نمایندگی از مردم و با نظارت مجلس و حق بهره برداری عمومی تمام آحاد جامعه در تمام زمان ها با کمترین هزینه، در مالکیت و حفاظت یا حفاظت دولت قرار می گیرند.

■ مشخص سازی دستگاه متولی تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد

در حوزه میراث فرهنگی و طبیعی- با مرجع قرار دادن آثار ثبت ملی- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی دستگاه متولی تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد است. هر چند در حوزه های امنیتی، اقتصادی، طبیعی و... ظرفیت اصل (۸۳) را نباید محدود به این وزارت کرد.

■ تعریف ساز و کار مناسب برای تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد

تشخیص نفایس ملی و منحصر به فرد باید با مشخص سازی معیارها و مصداق ها- که در این گزارش مورد بحث قرار گرفت- و تشکیل کمیته تشخیص نفایس ملی با حضور ناظران بیرون از وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی صورت گیرد. بر طرف سازی تعارضات احتمالی درون دستگاهی در این حوزه- وجود صندوق وابسته به وزارت که متولی احیا و بهره برداری از بناهای تاریخی فرهنگی است در کنار کمیته تشخیص نفایس ملی که امکان عدم تشخیص نفیسه ملی و ایجاد ظرفیت برای بهره برداری را داراست- نیز لازم به توجه است.



■ تکلیف دولت در مورد حفاظت از نفایس

دولت -مشابه آنچه در مورد آثار ملی دارای تکلیف صریح است- باید در قبال حفظ، نگهداری، احیا، مرمت و بهره‌برداری از نفایس ملی و منحصر به فرد با شرط دسترس پذیری ارزان این اموال برای عموم مردم، دارای تکلیف شود.

■ الزام دستگاه متولی به تهیه فهرست نفایس ملی و منحصر به فرد و ملاحظات مربوط به آن
اقدام به تهیه فهرست نفایس ملی و منحصر به فرد از نوع اکتشافی است و در طول زمان ممکن می‌شود. بنابراین، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مکلف است تا مبتنی بر ملاحظات مربوط به معیارها و ضوابط تشخیص، اقدام به تهیه فهرست نفایس ملی و منحصر به فرد کند و مشروح مذاکرات جلسات کمیته تشخیص نفایس ملی را -برای نظارت پذیری بیشتر- در اختیار عموم مردم قرار دهد.

■ تعریف ساز و کار مشخص برای نظارت مجلس شورای اسلامی مطابق اصل (۸۳) قانون اساسی
بند «۳» ماده (۱۷۹) قانون آیین‌نامه داخلی قابلیت نظارتی مجلس شورای اسلامی بر حوزه نفایس ملی را محدود و صرفاً بر فروش این اموال تأکید کرده است. بنابراین لازم است دامنه گستردگی اختیارات نظارتی مجلس شورای اسلامی به این حوزه در حدود قانون اساسی -یعنی نظارت بر «انتقال به غیر» که فروش بخشی از آن است- تغییر یابد. همچنین ساز و کار اجرایی مشخصی برای نظارت مجلس شورای اسلامی به این حوزه تعریف و تدوین شود.

■ تعریف ضوابط بهره‌برداری و حفاظت از نفایس ملی و منحصر به فرد

برای حفاظت از نفایس ملی و منحصر به فرد لازم است تا ضوابط دقیق و مبتنی بر هر اثر تعیین و ابلاغ شود، کاربری هم‌شان اثر تعریف شود، نظارت بر هر اثر دارای ساز و کار مشخص شود، پروتکل‌های خروج از کشور -در مورد آثار غیر منقول- مشخص شود، اهلیت فرد بهره‌بردار شرط بهره‌برداری در نظر گرفته شود و اسناد مالکیت این اموال دارای عنوان نفایس ملی و منحصر به فرد شود.

■ مشخص‌سازی وضعیت نفایس ملی در اختیار غیر دولت

نفایس ملی و منحصر به فرد طبق اصل (۸۳) قانون اساسی در حوزه اموال دولتی تعریف شده است اما بخش مهمی از این اموال در اختیار بخش غیر دولتی است. بنابراین لازم است تا با تسهیل‌گری و تعیین مشوق‌هایی، امکان سنددار شدن و تدوین فهرست نفایس ملی و منحصر به فرد در اختیار بخش غیر دولتی، فراهم شود.

منابع و مأخذ



- [۱] برای اطلاعات بیشتر به گزارش جایگاه نفایس ملی و منحصر به فرد در نظام قانونگذاری از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با مسلسل ۱۷۷۵۰ مراجعه کنید.
- [۲] عطف به پاسخ‌نامه معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به سرپرست وقت گروه حسابرسی دیوان محاسبات مستقر در سازمان سابق در تاریخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۷ با شماره ۹۷۳۵۰۰/۶۳۵۸۲ در مورد تعیین ضوابط و معیارهای نفایس ملی.
- [۳] گزارش تقنینی در مورد اصلاح موادی از قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ (شاخص‌ها و فرایند ثبت آثار غیرمنقول) با مسلسل ۱۸۲۲۴ از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- [۴] پروژه تدوین و تهیه فهرست آثار و آیین‌نامه نحوه تشخیص نفایس ملی، ۱۳۸۸، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir